

تأثیر ویژگی‌های فردی و اجتماعی بر مشارکت اجتماعی زنان کرمانی

دکتر لیلا یزدان‌پناه

استادیار دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

فاطمه صمدیان

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

چکیده

نوشتار حاضر بر آن است تا بر اساس پژوهشی پیمایشی، اثر ویژگی‌های فردی و اجتماعی را بر میزان مشارکت اجتماعی زنان، به عنوان یکی از عوامل اصلی مؤثر بر توسعه، مورد بررسی قرار دهد. جامعه‌ی آماری پژوهش را زنان ۱۶ساله و بالاتر ساکن در شهر کرمان تشکیل داده‌اند، که از میان آن‌ها نمونه‌ی به حجم ۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌است. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه است و مشارکت اجتماعی در دو بُعد رسمی و غیررسمی مورد بررسی قرار گرفته‌است. پس از آزمون فرضیه‌هایی که با استفاده از نظریه‌ی کنش اجتماعی یارسونز مطرح شد، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی و آزمون‌های معناداری استفاده شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان مشارکت اجتماعی زنان در بُعد غیررسمی، بیش‌تر از مشارکت آن‌ها در بُعد رسمی است؛ همچنین ویژگی‌هایی مثل عام‌گرایی، فعال‌گرایی، امید به آینده، خردگرایی، تحصیلات، ارزیابی فایده‌های مشارکت، و مشارکت اعضای خانواده، رابطه‌ی مستقیم و معنادار با میزان مشارکت اجتماعی زنان دارد.

واژگان کلیدی

مشارکت اجتماعی زنان؛ مشارکت رسمی؛ مشارکت غیررسمی؛ ویژگی‌های اجتماعی؛ ویژگی‌های فردی؛

مشارکت پدیده‌یی است که از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته و همراه با تکامل او تحول یافته‌است؛ اما در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، یعنی زمانی که برنامه‌های واردشده از غرب برای توسعه، به دلیل عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی شکست خورد، توجه به این پدیده و تأکید بر نقش آن، به عنوان یکی از عوامل توسعه، بیش‌تر شد و از آن پس بنای راه‌بردهای توسعه، بر روی‌کرد مشارکت مردمی، به عنوان نیاز اصلی بشر، صورت گرفت (وحیدا و نیازی ۱۳۸۳: ۱۱۹-۱۲۰).

مشارکتی که لازمی توسعه‌ی پایدار است، مشارکت همه‌ی اقشار و گروه‌ها (اعم از زنان و مردان) است و در این میان تردیدی نیست که نقش زنان، به عنوان نیمی از پیکر یک جامعه (و گاه حتا بیش از نیم)، نقشی بسیار عظیم و نیرومند دارد؛ اما به‌رغم آن که شرکت آزادانه‌ی زنان در مسائل اجتماعی، این امکان را برای جامعه فراهم می‌کند که از نیروهای بالقوه‌ی خود به صورت بالفعل استفاده کند، نتایج پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که میزان مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف کم‌تر از مردان است. بر پایه‌ی پژوهش‌هایی که در دهه‌ی ۱۹۶۰ انجام شده‌است، زنان کم‌تر از مردان تمایل به مشارکت دارند و پژوهش‌های پیمایشی بین کشورها نیز این نکته را در مورد همه‌ی کشورهای مورد بررسی و همه حالات مشارکت معمول و مرسوم تأیید می‌کند (وینر و هانتینگ‌تون^۱ ۱۳۷۹: ۱۶۰). در پژوهش *سادی‌طلب و کمالی* (۱۳۸۱) نیز، با تأیید پایین بودن میزان مشارکت زنان (در ایران و تهران)، مشخص شده‌است که هنگام بحث در مورد مشارکت‌جویی موفق، متغیرهای مؤثر، و روابط برآمده از آن‌ها، جنسیت به عنوان متغیری مؤثر به حساب می‌آید:

تمایل فردی + جنس + نهاد حقوقی جامعه‌ی مستعد ← مشارکت‌جویی موفق

با توجه به مباحث بالا، چه‌گونه برقرار کردن و نهادینه کردن مشارکت مردمی، مخصوصاً مشارکت زنان در امور جامعه، به عنوان مسأله‌ی مهم مطرح می‌شود، که می‌توان با شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت زنان، شناخت موانع مشارکت، و رفع این موانع، بسترها و زمینه‌های لازم را برای این امر پدید آورد.

مبانی نظری پژوهش

تعمق و بررسی درباره‌ی مشارکت اجتماعی زنان از سابقه‌ی چندانی برخوردار نیست، ولی در همین مدت کوتاه، مطالعاتی در این زمینه صورت گرفته‌است، که می‌توان آن‌ها را به پنج گروه. کتب، پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی، مقالات و نشریات، سمینارها و گردهم‌آیی‌ها،

¹ Weiner, Myron, and Samuel P. Huntington



و نظریه‌ها تقسیم کرد؛ هرچند که بیش‌تر آثار به صورت کتاب و مقاله است و کارهای پیمایشی انجام‌شده در زمینه‌ی مشارکت اجتماع، به‌ویژه مشارکت اجتماعی زنان، بسیار محدود است. از میان این منابع یادشده می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

فاطمی (۱۳۸۴) در کتابی با عنوان *تأملی بر مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان، قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران*، به بررسی نقش سیاسی و اجتماعی زن در تاریخ ایران پرداخته و مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان را، قبل و بعد از انقلاب، مقایسه کرده‌است. به عقیده‌ی او، در تاریخ ایران، زنان در امور سیاسی-اجتماعی مشارکت داشته‌اند، اما این مشارکت به صورت محدود و پشت پرده بوده‌است.

عفتی و کپوریان (۱۳۷۶) در بررسی میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی روستاهای استان مازندران به این نتیجه رسیدند که میزان مشارکت اجتماعی زنان در روستا (حدود ۵۰/۶ درصد) نشان می‌دهد که زنان روستایی مورد مطالعه، از لحاظ میزان مشارکت، در سطحی میانه قرار دارند و بیش‌ترین فعالیت زنان روستایی مناطق مورد مطالعه بعد از خانه‌داری، فعالیت در زمینه‌های کشاورزی، صنایع دستی، و قالی‌بافی بوده‌است. در این پژوهش، میان پایگاه اجتماعی زن، میزان آگاهی اجتماعی، و میزان مشارکت وی در فعالیت‌های اجتماعی، و نیز میان میزان سهم زن در تولید محصولات کشاورزی، دام‌داری، صنایع دستی و میزان مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری تولید، هم‌بستگی و رابطه‌ی معنادار وجود دارد، اما بین میزان وابستگی زن به شوهر و شیوه‌ی تلقی شوهر از مسائل مذهبی و مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی رابطه‌ی معنادار وجود ندارد.

فخرایی (۱۳۷۶) در مقاله‌ی «جامعه‌شناسی موانع فرهنگی مشارکت اجتماعی زنان در ایران»، به بررسی تأثیر ارزش‌های فرهنگی جامعه‌ی ایران، به عنوان مانعی برای افزایش مشارکت زنان می‌پردازد. او معتقد است این عوامل فرهنگی، به علت گستردگی، می‌تواند به اشکال مختلف، در آداب و رسوم، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، و مذهب و بینش افراد نمود پیدا کند و مانعی برای مشارکت توده‌ی زنان در صحنه‌های مختلف جامعه محسوب شود.

سبکتکین ریزی (۱۳۷۳) در تبیین رابطه‌ی میزان تحصیلات زنان روستایی با میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها، در منطقه‌ی لوسانات شهرستان شمیران، به این نتیجه رسیده‌است که بین سطح سواد زنان و میزان مشارکت آنان در عرصه‌های گوناگون جامعه رابطه وجود دارد و هر چه سطوح سواد بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی هم بیش‌تر است.

ویچه‌کا^۱ (۲۰۰۵) در مقاله‌ی با عنوان «موانع مشارکت اجتماعی زنان در کامبوج»^۲، عوامل فرهنگی را عمده‌ترین مانع مشارکت زنان می‌داند. او معتقد است که در کامبوج، زنان

^۱ Vicheka, Lay

^۲ "Cambodian Women and Barriers to Social Participation."

با ویژگی‌هایی چون نجابت، وظیفه‌شناسی، مقیدبودن، و حق‌شناسی نسبت به والدین در نظر گرفته می‌شوند و به دلیل این فشارهای فرهنگی، زنان کامبوج بدون هیچ شناختی، از ارزش‌های فرهنگی پیروی می‌کنند.

اوکلی^۱ (۱۹۹۱) نیز معتقد است که بیش‌تر زنان جهان سوم، به دلیل حاکمیت فرهنگ مردسالار، برای مشارکت در فعالیت‌های توسعه‌ی با موانعی نیرومند مواجهه‌اند و با وجود پیشرفت‌های دهه‌ی اخیر و افزون شدن طرح‌های منحصر به آن، زنان روستایی با یک مانع اضافی به نام ارزش‌هایی فرهنگی نیز روبه‌رو شده‌اند، که نقش‌های نسبت‌داده‌شده به زنان را تأیید می‌کند و مشارکت‌شان را در فعالیت‌های اجتماعی روا نمی‌داند.

مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرآیند تعاملی بین کنش‌گر و محیط اجتماعی او و در جهت دست‌یابی به اهداف معین و ازپیش‌تعیین‌شده تعریف کرده‌اند؛ فرآیندی که افراد جامعه به صورت جمعی، آگاهانه، داوطلبانه، و با در نظر داشتن اهداف معین و مشخص که منجر به سهیم شدن آن‌ها در منافع اجتماعی می‌شود، در آن شرکت می‌کنند و نمود عینی آن را در نهادهای مشارکتی چون انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و نظایر آن می‌توان دید (غفاری ۱۳۸۳: ۷۰). این نوع کنش‌ها نیاز به شرایط مساعد سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی دارند، که در صورت فراهم شدن آن‌ها، امکان شکل‌گیری و ادامه‌ی کنش وجود دارد؛ برای مثال، وجود و پذیرش ارزش‌هایی مانند هم‌یاری و اهمیت رسیدگی به نیازهای مردم، درونی کردن آن‌ها در فرآیند اجتماعی شدن، و اعتقاد به اثربخش بودن مشارکت اجتماعی در بهبود وضعیت فردی و اجتماعی، عواملی فرهنگی است که در اقدام مشارکت‌جویانه اثر می‌گذارد (پناهی و یزدان‌پناه ۱۳۸۳: ۷۵).

در دوره‌ی اخیر، با توجه به اهمیت مشارکت در عرصه‌های حیات اجتماعی و مدنی و نیز برای تبیین این رفتار جمعی، چهارچوب‌های نظری متنوعی در اشکال مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی مطرح شده‌است، که می‌توان آن‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: دسته‌ی اول نظریه‌هایی که مستقیماً به بحث در مورد مشارکت پرداخته‌اند و عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی و اجتماعی را بیان کرده‌اند (نظریه‌های معاصر مشارکت)؛ و دسته‌ی دیگر که برای تبیین مشارکت به عنوان نوعی رفتار هدفدار به کار می‌روند و می‌توان از آن‌ها به عنوان نظریه‌های کنش نیز یاد کرد. در ادامه به طور مختصر به بررسی برخی از نظریه‌های معاصر مربوط و هم‌چنین نظریه‌های کنش مورد استفاده می‌پردازیم.

اینگله‌هارت^۲ افزایش مشارکت در مغرب‌زمین را با سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی، دسترسی به رسانه‌ها و تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان، و تغییر

^۱ Oakley, Peter

^۲ Inglehart, Ronald F.



در اولویت‌های ارزشی مردم (از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرامادی) هم‌بسته می‌داند (برگرفته از قانونی‌راد و حسینی ۱۳۸۴:۱۰۱). او همچنین به رابطه‌ی بین اعتماد و مشارکت توجه کرده و معتقد است اعتماد به یک‌دیگر، از عوامل مؤثر بر میزان مشارکت محسوب می‌شود (مقدس جعفری و باقرزاده ۱۳۸۱:۱۶۸).

برتون^۱ (۱۹۹۷) معتقد است که در میان عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی، دو عامل به طور خاص ارزش‌مند است؛ ویژگی‌های شخصی و فرصت‌های ساختاری. مقداری از مشارکت به وسیله‌ی عواملی چون سطح سواد، طبقه‌ی اجتماعی فرد، علائق مذهبی، و انگیزه‌های شخصی تبیین می‌شود و فرصت مشارکت نیز، به دلیل آن که برای افراد متعلق به گروه‌های مختلف متفاوت است، میزان مشارکت را تعیین می‌کند (برتون ۱۹۹۷:۶).

هلی^۲ (۱۹۹۷) مشارکت اجتماعی افراد را با چند دسته از عوامل تبیین می‌کند:

۱- عوامل مرتبط با ویژگی‌های فردی، مانند پایگاه اجتماعی-اقتصادی فرد در جامعه، که باعث می‌شود وی هر فعالیت اجتماعی، یا به طور عادی هر راه‌برد شخصی را که باعث پیشرفت نسبت به والدین، امید به اشتغال، آموزش، و امید به آینده می‌شود مفید تلقی کند؛

۲- سطح تحصیلات؛

۳- گروه سنی؛

۴- جنسیت و سویه‌گیری جنسی؛

۵- زمینه‌ی خانوادگی، شامل محل اقامت، میزان مشارکت والدین، وضعیت تأهل، و محیط اجتماعی شدن.

او همچنین در مورد محرک‌های اجتماعی، به عواملی چون شناخت عامه از مهاجران، تنوع فرهنگی گروه‌هایی که با جامعه هم‌کاری می‌کنند، پیکار با تبعیض، وسعت گروه‌های مرجع در ساختارهای اجتماعی، خط مشی‌های حمایت‌کننده، و برنامه‌هایی برای فعالیت مؤسسه‌های قومی اشاره می‌کند. به عقیده‌ی او، به دلیل آن که این فرصت‌ها برای وابستگی و فعالیت‌هایی مانند هم‌پاری چندجانبه و کارهای داوطلبانه تعیین‌کننده است، می‌تواند خط مشی‌هایی را برای فعالیت‌های اجتماعی محلی و مخصوصاً افراد جوان فراهم کند (هلی ۱۹۹۷:۵-۶).

همان‌طور که در ابتدای بحث مبانی نظری گفته‌شد، مشارکت نوعی کنش است و برای تبیین آن از نظریه‌های کنش استفاده می‌شود. فرضیه‌های مورد استفاده در این نوشتار نیز از نظریه‌ی کنش اجتماعی تالکوت پارسونز^۳ (روشه^۴ ۱۳۷۷) گرفته‌شده‌است و به صورت خلاصه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

¹ Breton, Raymond

² Helly, Denis

³ Parsons, Talcott

⁴ Rocher, Guy

در تحلیل کنش در سطح خرد، پارسونز معتقد است که هر عملی که از انسان سر می‌زند سه خصلت عمده دارد: خصلت اورگانیستی، یعنی هر کنشی در جهت پاسخ به نیازی زیستی است؛ خصلت شخصیتی، یعنی هر کنشی تحت تأثیر شخصیت فرد است؛ و خصلت فرهنگی، یعنی هر کنشی صبغه‌ی فرهنگی دارد و تحت تأثیر فرهنگ جامعه است. پارسونز اورگانسیم رفتاری را، که دارای سه گرایش هنجاری، ارزیابی، و ادراکی یا شناختی است، نخستین منشأ کنش می‌داند. اورگانسیم وسیله‌ی است که انسان به وسیله‌ی آن با محیط ارتباط پیدا می‌کند و کارکرد آن فراهم کردن عوامل تطابق انسان با محیط است. به نظر پارسونز، به دلیل آن که نوزاد انسان در یک نظام فرهنگی متولد می‌شود، این اورگانسیم در برخورد با فرهنگ و پذیرش مجموعه‌ی باورها، ارزش‌ها، و هنجارهای نظام فرهنگی، آن‌ها را درونی می‌کند (از طریق زندگی در میان اعضای خانواده، کسب تحصیلات در گروه‌های آموزشی، یادگیری باورها و ارزش‌ها درباره‌ی فایده‌های مشارکت در امور اجتماعی و هم‌کاری، و از این دست مفاهیم) و با درونی شدن ارزش‌ها و هنجارها، نظامی شخصیتی شکل می‌گیرد، که کارکرد آن هدف‌یابی است. وقتی نظام شخصیتی شکل گرفت، دیگر انسان نه از اورگانسیم، بلکه از شخصیت خود پیروی می‌کند و شخصیت بر اورگانسیم مسلط می‌شود (روشه ۱۳۷۷).

به عقیده‌ی پارسونز، دو عنصر محیط فیزیکی و ارزش‌های غایی نیز بر کنش اثر می‌گذارند؛ محیط اورگانیک-فیزیکی، تسهیلات محیطی را برای فرد فراهم می‌کند (نظیر امکانات موجود در هر خانواده، محله، و منطقه‌ی زندگی، مثل وجود سازمان‌ها و نهادهای مشارکتی، ارزیابی از وجود این امکانات، و نبودن آن به عنوان مانع مشارکت) و ارزش غایی نیز نمادی ناظر بر آینده است (نظیر امید به آینده و بهبود شرایط با فعالیت فرد). در بین عناصر مطرح‌شده، عنصری که میزان اطلاعات آن بالاتر است، کنترل بیشتری بر کنش دارد و آن را از بالا به پایین مورد توجه قرار می‌دهد؛ بر این اساس، محیط طبیعی، اورگانسیم رفتاری، نظام شخصیتی، و نهایتاً ارزش‌های غایی، به ترتیب، کم‌ترین اطلاعات و بیش‌ترین انرژی را دارند. از نظر پارسونز، انسان در کنش خود آزاد است و کنش نیز گرچه تا حدی ارادی و اختیاری است، ولی آزاد مطلق نیست و کنش‌گر تحت شرایط ساختاری در جامعه عمل می‌کند؛ بنا بر این، عوامل و شرایط سطح کلان، کنش انسان را مقید و مشروط می‌کند و نتیجه این است که انسان هرچند در اعمال خود مقید به شرایط اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی است، می‌تواند با کنش خود این ساختارها را تغییر دهد (کرایب^۱ ۱۳۷۸: ۵۱-۶۴؛ ریتزر^۲ ۱۳۷۷: ۱۳۱-۱۴۴؛ توسلی ۱۳۷۳: ۲۳۷-۲۶۱؛ پناهی و یزدان‌پناه ۱۳۸۳: ۷۹-۸۰).

¹ Craib, Ian

² Ritzer, George



پارسونز منشأ هر رفتار را تمایلاتی نیازی می‌داند که طی فرآیند اجتماعی شدن شکل می‌گیرند و انگیزه‌های کنش را می‌سازند. یک دسته از این تمایلات نیازی، تمایلاتی است که کنش‌گران را وادار می‌کند در روابط اجتماعی‌شان به دنبال تأیید و عشق بروند و دسته‌ی دیگر، ارزش‌های ملکه‌ی ذهن‌شده‌ی است که شخص را وادار می‌کند معیارهای گوناگون فرهنگی را رعایت کند (روشه ۱۳۷۷: ۱۶۹-۱۷۰)؛ بنا بر این، تمایل به کسب پاداش‌های مادی و معنوی از یک سو، و تمایل به رعایت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی از سوی دیگر منشأ کنش‌اند.

پارسونز ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را که در عمل، سازنده‌ی شرایط ساختی کنش‌اند، زیر عنوان متغیرهای الگویی دسته‌بندی می‌کند و منظور وی از متغیر، انتخاب یک شق از دو شقی است که کنش‌گر باید یکی از آن دو را انتخاب کند. از نظر پارسونز، ترکیب الگوها و جهت‌گیری‌های ارزشی، که به وسیله‌ی کنش‌گر در زمان اجتماعی شدن به دست می‌آید، تا اندازه‌ی زیادی نتیجه‌ی کارکرد ساختار بنیادین جامعه و ارزش‌های مسلط نظام اجتماعی است؛ بنا بر این از نظر وی، هر یک از عوامل ساختاری سطح کلان مانند اقتصاد، سیاست، اجتماع، فرهنگ، و سطح توسعه، به روش تأثیرگذاری بر ترکیب متغیرهای الگویی، مشروط‌کننده‌ی کنش است. از سوی دیگر، او معتقد است که کنش نیز به طور متقابل بر ساختار جامعه تأثیر می‌گذارد و تغییردهنده‌ی شرایط ساختاری است. این تغییرات در جهت تفکیک‌پذیری و انسجام نظام اجتماعی، شکل‌گیری ارزش‌ها و اجتماع عام، و افزایش توان و ظرفیت تطابق جامعه با محیط صورت می‌گیرد (ریترز ۱۳۷۷: ۶۲).

در مورد ترکیب متغیرهای الگویی در جوامع مختلف، پارسونز معتقد است که هرچه جامعه به طرف صنعتی شدن پیش می‌رود، گرایش به جهت‌گیری جمعی در مقابل جهت‌گیری فردی، فعال‌گرایی در مقابل انفعال‌گرایی، خردگرایی در مقابل عاطفه‌گرایی، و عام‌گرایی در مقابل خاص‌گرایی بیش‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، پارسونز خصوصیات جوامع مدرن را وجود عناصری چون عام‌گرایی، فعال‌گرایی، آزادی، و عقل‌گرایی می‌داند (ازکیا ۱۳۷۹: ۹۷).

بر اساس نظریه‌ی پارسونز، افراد مشارکت‌جو دارای ویژگی‌هایی چون عام‌گرایی، فعال‌گرایی، خردگرایی، و امیدوار به آینده‌اند و از آن‌جا که وی زنان را دارای نقشی مادرانه، فوق‌العاده عاطفی، خاص‌گرا، و انفعالی می‌داند (روشه ۱۳۷۷: ۱۹۱)، می‌توان گفت نوع جهت‌گیری ارزشی در میان زنان، از عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی آنان است و خانواده، الگوهای موجود در محیط خانواده (مثل مشارکت اعضای آن، مخصوصاً پدر)، و آگاهی از امکانات موجود در محیط زندگی و مزایایی که برای فرد در پی خواهد داشت (آشنایی و

شرکت در انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی محل زندگی) از متغیرهای مهم تأثیرگذار بر میزان مشارکت فرد اند.

فرضیه‌ها

با الهام و بهره‌گیری از روی‌کردهای نظری مطرح‌شده در این نوشتار و برای تبیین مشارکت اجتماعی زنان در شهر کرمان، فرضیه‌های اصلی پژوهش، در قالب چهارچوبی نظری، که با استفاده از نظریه‌ی پارسونز و بر اساس متغیرهای عام‌گرایی، فعال‌گرایی، خردگرایی، امید به آینده، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، آگاهی از امکانات و شرایط مشارکت، ارزیابی فایده‌های مشارکت، و مشارکت اعضای خانواده شکل گرفته، ارائه شده‌است:

- ۱- میزان مشارکت اجتماعی زنان با ویژگی‌هایی چون عام‌گرایی، فعال‌گرایی، و خردگرایی رابطه دارد؛ هرچه این ویژگی‌ها در زنان بیش‌تر باشد، میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها افزایش می‌یابد.
- ۲- میزان مشارکت پاسخ‌گویان با میزان تحصیلات آن‌ها رابطه دارد؛ هر چه میزان تحصیلات بیش‌تر باشد، میزان مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد.
- ۳- میزان مشارکت زنان با امید به آینده رابطه دارد؛ هرچه امید به آینده در میان زنان بیش‌تر باشد، میزان مشارکت آن‌ها افزایش می‌یابد.
- ۴- بین آگاهی پاسخ‌گویان از وجود مکان‌های مشارکتی، شرایط مشارکت، و میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- ۵- ارزیابی فایده‌های مشارکت با مشارکت اجتماعی زنان رابطه وجود دارد؛ پاسخ‌گویانی که شرکت در فعالیت‌های اجتماعی را مفید ارزیابی کنند، مشارکت اجتماعی‌شان بالاتر است.
- ۶- بین میزان مشارکت اعضای خانواده، به عنوان دیگری-مهم، و میزان مشارکت اجتماعی زنان رابطه وجود دارد.
- ۷- بین وضعیت تأهل و میزان مشارکت زنان رابطه وجود دارد؛ زنان متأهل مشارکتی بیش‌تر دارند.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، روش اسنادی و پیمایشی است. با استفاده از روش اسنادی، ابعاد مفهومی و نظری موضوع مورد بررسی قرار گرفته و از روش پیمایشی نیز برای بررسی چه‌گونگی توزیع و روابط بین متغیرهای وابسته و مستقل استفاده شده‌است. در روش پیمایشی، پس از گردآوری اطلاعات با پرسش‌نامه و پردازش داده‌ها با نرم‌افزار SPSS¹، با

¹ Statistical Package for the Social Sciences



توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون‌های مختلفی استفاده شده‌است؛ برای متغیرهای فاصله‌یی، از ضریب هم‌بستگی پی‌یرسون، و برای متغیرهای اسمی چندحالتی، از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده‌است.

تعریف مفاهیم و متغیرها

متغیر وابسته‌ی این پژوهش، مشارکت اجتماعی زنان است. میجلی مشارکت اجتماعی را ایجاد فرصت‌هایی برای قادر ساختن همه‌ی اعضای جامعه برای هم‌کاری فعالانه، نفوذ بر فرآیند توسعه، و سهمیم شدن در منافع حاصل از توسعه تعریف می‌کند (میجلی و هم‌کاران^۱: ۱۹۸۹: ۲۳). هلی (۱۹۹۷) نیز مشارکت اجتماعی را به صورت مشارکت افراد در فعالیت گروه‌های خارج از خانواده، عرصه‌ی سیاسی، و محیط کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها، و گروه‌های فشار) تعریف می‌کند. با توجه به تعریف هلی (۱۹۹۷) می‌توان گفت مشارکت اجتماعی عبارت است از هر گونه کنش متقابل داوطلبانه، آگاهانه، و جمعی افراد و گروه‌ها در فعالیت‌های خارج از خانواده و همه‌ی گروه‌های فعال ناوابسته به سازمان‌های سیاسی، گروه‌های فشار، و اتحادیه‌های کارگری، که به صورت مشارکت رسمی و غیررسمی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. متغیرهای مستقل نیز به همین صورت تعریف نظری می‌شوند.

عام‌گرایی - نوعی جهت‌گیری ارزشی مبتنی بر عناصر منطقی کنش است، که زمینه را برای بروز و ظهور کنش‌های منطقی مبتنی بر قواعد عام فراهم می‌کند (غفاری ۱۳۸۳: ۷۷). این متغیر با سه گویه، در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده‌است.

خردگرایی - تمایل به عاقبت‌اندیشی و محاسبه به طور کلی است (امتیازهای بالا: تعقل‌گرا؛ امتیازهای پایین: تقدیرگرا) (چلی ۱۳۸۱: ۱۰۴).

فعال‌گرایی - میزان میل به درگیری با محیط اثباتی برای پاسخ‌گویی به نیازها است (چلی ۱۳۸۱: ۱۰۱).

امید به آینده - اعتقاد فرد به بهتر شدن اوضاع زندگی در آینده است. **ارزیابی فایده‌های مشارکت** - منظور از ارزیابی فایده‌های مشارکت، نظر پاسخ‌گویان در مورد فواید و ضررهای شرکت کردن در فعالیت‌های اجتماعی است.

آگاهی از وجود مکان‌های مشارکتی - منظور از این متغیر آن است که پاسخ‌گویان چه قدر از مکان‌های فعال شهر کرمان و نوع فعالیتی که در این مکان‌ها انجام می‌شود آگاهی دارند.

¹ Midgley, James, Anthony Hall, Margaret Hardiman, and Dhanpaul Narine

متغیرها پس از تعریف عملیاتی به صورت جدول ۱، در قالب طیف لیکرت سنجیده شدند.

جدول ۱- متغیرهای مستقل پژوهش و تعریف عملیاتی آنها

متغیر	تعریف عملیاتی / گویه‌ها
مشارکت رسمی	عضویت و فعالیت در انجمن‌های غیردولتی، انجمن اولیا و مربیان، و انجمن‌های خیریه‌ی رسمی ^۱
مشارکت غیررسمی	مشارکت مذهبی: مشارکت در فعالیت‌های مذهبی و خیریه مانند کمک به خانواده‌های نیازمند، تهیه‌ی چپ‌زیه، جشن نیکوکاری، شرکت در روزه‌ها و سفره‌ها مشارکت انقلابی: شرکت در راهپیمایی‌ها و نماز جمعه مشارکت فرهنگی-تفریحی: شرکت در دوره‌های دوستانه و فعالیت‌های هنری و ورزشی
امید به آینده	«زندگی رو به پیشرفت است و در آینده بسیاری از مشکلات حل خواهد شد» «اوضاع و احوال مردم عادی روز به روز بهتر می‌شود» «وضعیت اقتصادی مردم روز به روز بهتر می‌شود»
عام‌گرایی	«اگر کارمند بانک باشید، تا چه حد امکان دارد کار زن‌ها را خارج از نوبت انجام دهید؟» «اگر احياناً مدیر مدرسه‌ی باشید که متقاضی زیادی دارد، چقدر احتمال دارد اول آشنایان را ثبت‌نام کنید، بعد غریبه‌ها را؟»
ارزبایی فایده‌های مشارکت	«شرکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی توجه آن‌ها را به زندگی خانوادگی افزایش می‌دهد» «فعالیتی اجتماعی که درآمدی در پی نداشته‌باشد، وقت تلف کردن است» «شرکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی باعث رشد فکری و اجتماعی آن‌ها می‌شود»
فعال‌گرایی	«حاضر نیستم اوقات فراغت را فدای کار کنم» «نپاید به خود سختی داد» «باید از فرصت‌های پیش‌آمده بهترین استفاده را برد»
خردگرایی	«بیش‌تر اتفاقات بدی که در زندگی مردم رخ می‌دهد، به خاطر اشتباه‌های خودشان است» «انسان می‌تواند در آینده‌ی زندگی خود مؤثر واقع شود» «درست نیست که به صرف این که گذشتگان کاری کرده‌اند ما همان کار را بکنیم» «سرنوشت و تقدیر با آینده‌نگری و تلاش عوض می‌شود»
آگاهی از امکانات مشارکت	«در محله‌ی مسکونی شما چه نهادها، گروه‌ها، انجمن رسمی یا غیررسمی وجود دارد؟»

^۱ تمایز مشارکت رسمی از غیررسمی، مشخص بودن هویت افراد از طریق ثبت‌نام یا اطلاعات ثانویه، و در برخی از اشکال، پرداخت حق عضویت، شرکت در جلسات دوره‌ی، و مانند این‌ها است.

روایی و پایایی پرسش‌نامه

در پژوهش حاضر جهت افزایش درجه‌ی اعتبار، از روش اعتبار صوری و هم‌چنین اعتبار سازه استفاده شده‌است. در اعتبار صوری، پرسش‌نامه بعد از تدوین در اختیار متخصصان و استادان قرار گرفت و پس از جمع‌آوری نظرات آن‌ها اصلاحات لازم انجام شد؛ هم‌چنین به منظور اطمینان از اعتبار سازه، رابطه‌ی هر یک از اجزای مقیاس با هم، و نیز هم‌بستگی اجزا با کل مقیاس بررسی شد. اعتبار سازه در حالت کلی شامل سلسله فعالیت‌هایی است



که به طور هم‌زمان از سوی پژوهش‌گر برای تعریف یک سازه و توسعه‌ی وسیله برای اندازه‌گیری آن صورت می‌گیرد. اعتبار سازه با رابطه‌ی بین وسیله‌ی اندازه‌گیری و چهارچوب کلی نظری، جهت تعیین این نکته که وسیله‌ی اندازه‌گیری تا چه حد مفاهیم و پیش‌فرض‌های نظریه‌ی به‌کارگرفته‌شده را منعکس می‌کند، سر و کار دارد (ساروخانی ۱۳۸۲: ۱۱۰-۱۱۱). از مهم‌ترین روش‌های بررسی اعتبار سازه می‌توان به اعتبار عاملی^۱ که از طریق تحلیل عاملی انجام می‌شود اشاره کرد.

تعیین اعتبار سازه‌ی طیف مشارکت اجتماعی در جدول ۲ دیده می‌شود.

جدول ۲- ماتریس همبستگی بین گویه‌های مشارکت اجتماعی

گویه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۱/۰۰													
۲	۰/۴۰	۱/۰۰												
۳	۰/۴۰	۰/۷۰	۱/۰۰											
۴	۰/۴۰	۰/۷۰	۰/۷۰	۱/۰۰										
۵	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۱/۰۰									
۶	۰/۴۰	۰/۶۰	۰/۵۰	۰/۶۰	۰/۳۰	۱/۰۰								
۷	۰/۳۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۵۰	۰/۳۰	۰/۶۰	۱/۰۰							
۸	۰/۳۰	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۵۰	۰/۵۰	۱/۰۰						
۹	۰/۲۵	۰/۴۰	۰/۶۰	۰/۶۰	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۶۰	۰/۵۰	۱/۰۰					
۱۰	۰/۴۵	۰/۴۰	۰/۳۰	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۳۰	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۵۰	۱/۰۰				
۱۱	۰/۴۰	۰/۳۰	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۳۰	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۷۰	۰/۵۰	۱/۰۰			
۱۲	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۷۰	۰/۳۰	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۳۰	۰/۶۰	۰/۵۰	۰/۴۰	۱/۰۰		
۱۳	۰/۳۰	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۳۰	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۳۰	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۷۰	۰/۵۰	۱/۰۰	
۱۴	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۴۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۵۰	۰/۳۰	۰/۴۰	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۶۰	۰/۵۰	۰/۷۰	۱/۰۰

برای تشخیص مناسب بودن یا نبودن مجموعه‌ی از متغیرها در ماتریس‌های همبستگی برای تحلیل عاملی از شناسه‌ی کایزر-مهیر-اولکین برای بسندگی نمونه‌گیری^۲

^۱ Factor Validity

^۲ Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy

استفاده می‌شود، که بین صفر تا یک متغیر است؛ اگر نتیجه بالای ۷۰ درصد باشد، می‌توان گفت تحلیل عاملی معنادار است.

نتایج تحلیل عاملی برای ۱۴ مورد طیف مشارکت اجتماعی، به روش تحلیل عاملی اکتشافی، نشان می‌دهد که بر اساس آزمون کرویت بارتلت^۱ و شناسه‌ی کایزر-مهیر-اولکین برای بسندگی نمونه‌گیری، طیف مذکور توانایی انجام تحلیل را دارد. اعتبار سازه‌ی، گویه‌ها را در قالب یک طیف برای سنجش مفهوم مشارکت اجتماعی تأیید می‌کند (جدول ۳).

جدول ۳- نتایج آزمون‌های آزمون کرویت بارتلت و شناسه‌ی کایزر-مهیر-اولکین

مقدار	شناسه‌ی آماری
۰/۷۹۵	شناسه‌ی کایزر-مهیر-اولکین
۱۰۴۶/۴۷۸	آزمون کرویت بارتلت
۹۱	درجه‌ی آزادی
۰/۰۰۰	معناداری

برای سنجش پایایی داده‌ها، پس از تدوین پرسش‌نامه‌های اولیه، پر کردن آن‌ها، و کدگذاری داده‌ها، از آزمون توافق داخلی^۲ و آلفای کرون‌باخ استفاده شده‌است. بدیهی است که هر چه میزان آلفا بالاتر باشد، پایایی مقیاس بیش‌تر خواهد بود؛ بنا بر این، جهت افزایش مقدار آلفا و در نتیجه افزایش پایایی مقیاس، گویه‌های ناپایا حذف شد. نتیجه‌ی آزمون پایایی در جدول ۴ دیده می‌شود.

جدول ۴- نتایج آزمون پایایی گویه‌ها

متغیر	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفا
مشارکت اجتماعی رسمی	۶	۰/۷۰
مشارکت اجتماعی غیررسمی	۸	۰/۷۵
خردگرایی	۴	۰/۸۰
امید به آینده	۴	۰/۸۰
فعال‌گرایی	۵	۰/۴۶
نگرش به مشارکت (ارزیابی فایده‌های مشارکت)	۵	۰/۵۰
عام‌گرایی	۳	۰/۸۰

جامعه‌ی آماری و روش نمونه‌گیری

در پژوهش حاضر، نتایج پژوهش‌های دیگری که قبلاً در سطح جامعه‌ی آماری مورد مطالعه انجام پذیرفته (با توجه به نقشه‌ی اصلی شهر کرمان) و بر اساس آن‌ها شهر کرمان به

^۱ Bartlett's Test of Sphericity

^۲ Internal Consistency



چهار منطقه تقسیم شده بود، مورد استفاده قرار گرفت. از میان این مناطق، پس از گزینش تصادفی چند حوزه، در هر حوزه تعدادی بلوک و در هر بلوک تعدادی خانوار به صورت تصادفی انتخاب شدند و در هر خانوار یک زن ۱۶ سال به بالا مورد مصاحبه قرار گرفت. گفتنی است که بلوک‌های منتخب، قبلاً تمام‌شماری شده، تعداد خانوار بلوک‌ها قبلاً مشخص شده، و دسترسی به آن‌ها کاملاً تصادفی بوده است. در نهایت، با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران با ۵ درصد خطا، ۳۰۰ نفر انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش

توصیف داده‌ها

با توجه به نتایج به دست آمده، در مورد ویژگی‌های نمونه‌ی مورد بررسی باید گفت که میانگین سنی زنان ۱۶ سال به بالای مورد بررسی در شهر کرمان، ۳۳/۲ سال است؛ از نظر اشتغال، ۱۲/۵ درصد پاسخ‌گویان شاغل اند، البته ۰/۱ درصد نیز اعلام کرده‌اند دارای مشاغل خدماتی مثل آرایش‌گری، خیاطی، و مانند آن اند؛ در مورد تحصیلات، ۴۴/۵ درصد دارای تحصیلات متوسطه و ۳/۵ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر اند؛ میانگین سال‌های تحصیل برای پاسخ‌گویان ۱۱/۹ درصد است؛ ۳۵/۹ درصد پاسخ‌گویان مجرد، ۵۷/۷ درصد متأهل، ۵/۴ درصد مطلقه، و ۰/۱ درصد بیوه اند؛ و میانگین درآمد ماهانه‌ی خانوار در شهر کرمان ۴۴۰ هزار تومان است.

متغیر وابسته‌ی پژوهش، مشارکت اجتماعی است، که در سه بُعد مشارکت اجتماعی کل، رسمی، و غیررسمی مورد بررسی قرار گرفت. هم‌چنان که در جدول ۵ دیده می‌شود، بررسی میزان مشارکت اجتماعی نشان داد که میزان مشارکت اجتماعی کل، که از جمع مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی به دست می‌آید، در مورد ۸۳/۶ درصد از پاسخ‌گویان در سطح متوسط و پایین قرار دارد و ۱۷/۵ درصد، مشارکت اجتماعی در سطح بالا دارند. میانگین مشارکت اجتماعی کل، ۲/۲۰ از ۴ است. با توجه به نتایج جدول مشارکت در دو بُعد رسمی و غیررسمی، میانگین مشارکت غیررسمی، ۲/۶۳ و میانگین مشارکت رسمی، ۱/۴۳ به دست آمده است. داده‌های جدول نشان‌گر این است که در کل، میزان مشارکت اجتماعی در سطحی متوسط است، اما میزان مشارکت رسمی نسبت به غیررسمی بسیار پایین است.

جدول ۵- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب میزان مشارکت اجتماعی کل، رسمی، و غیررسمی

میزان مشارکت	مشارکت اجتماعی رسمی			مشارکت اجتماعی غیررسمی			مشارکت اجتماعی کل		
	فراوانی	درصد	درصدتجمعی	فراوانی	درصد	درصدتجمعی	فراوانی	درصد	درصدتجمعی
اصلاً	۱۲۸	۴۲/۹۵	۴۲/۹۵	۱۲	۴/۰۳	۴/۰۳	۲۷	۹/۰۶	۹/۰۶
کم	۱۱۲	۳۷/۵۸	۸۰/۵۴	۷۸	۲۶/۱۷	۳۰/۲۰	۱۱۵	۳۸/۵۹	۴۷/۶۵
متوسط	۳۹	۱۳/۰۹	۹۳/۶۲	۱۴۲	۴۷/۶۵	۷۷/۸۵	۱۰۴	۳۴/۹۰	۸۲/۵۵
زیاد	۱۵	۵/۰۳	۹۸/۶۶	۵۴	۱۸/۱۲	۹۵/۹۷	۳۹	۱۳/۰۹	۹۵/۶۴
کاملاً	۴	۱/۳۴	۱۰۰/۰۰	۱۲	۴/۰۳	۱۰۰/۰۰	۱۳	۴/۳۶	۱۰۰/۰۰
جمع	۲۹۸	۱۰۰/۰۰		۲۹۸	۱۰۰/۰۰		۲۹۸	۱۰۰/۰۰	
میانگین	۱/۴۳			۲/۶۱			۲/۲۰		
واریانس	۰/۳۴۸۱			۰/۰۵۶۲			۰/۱۵۸۸		

مسأله‌ی دیگری که در این پژوهش بررسی شد، میزان مشارکت افراد در انواع فعالیت‌ها است و نتایج نشان داد که زنان مورد بررسی، بیش‌تر در فعالیت‌های مذهبی شرکت می‌کنند. هم‌چنان که در جدول ۶ آمده‌است، بیش‌ترین میانگین (۲/۹۵) متعلق به مشارکت مذهبی، و کم‌ترین میانگین (۱/۱۶) متعلق به مشارکت مدنی (رسمی) است. مشارکت مذهبی در میان پاسخ‌گویان نیز بیش‌تر به صورت شرکت در کلاس‌های قرآن، هیئت‌ها، و روضه‌ها است. زنان به خاطر ارزشی که برای فعالیت‌های مذهبی قائل اند تمایل بیش‌تری برای شرکت در جلسه‌های مذهبی دارند.

جدول ۶- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب مشارکت در انواع فعالیت‌ها

نوع مشارکت	مدنی		فرهنگی-تفریحی		انقلابی		مذهبی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اصلاً	۸۶	۲۸/۹	۱۰	۳/۴	۸۹	۲۹/۹	۱۹	۶/۴
کم	۱۳۸	۴۶/۳	۷۳	۲۴/۵	۱۱۶	۳۸/۹	۸۴	۲۸/۳
متوسط	۵۲	۱۷/۴	۱۰۲	۳۴/۲	۷۷	۲۵/۸	۱۲۴	۴۱/۶
زیاد	۱۵	۵/۰	۸۰	۲۶/۸	۱۵	۵/۰	۵۶	۱۸/۸
کاملاً	۷	۲/۳	۳۳	۱۱/۱	۱	۰/۳	۱۵	۵/۰
جمع	۲۹۸	۱۰۰/۰	۲۹۸	۱۰۰/۰	۲۹۸	۱۰۰/۰	۲۹۸	۱۰۰/۰
میانگین	۱/۱۶		۲/۵۱		۲/۱۷		۲/۹۵	
میانه	۲		۳		۲		۳	
نما	۲		۳		۲		۳	

یکی از متغیرهای مستقل مورد بررسی، ارزیابی فایده‌های مشارکت (نگرش افراد به مشارکت) است. نمره‌ی پاسخ به گویه‌های این متغیر به سه دسته‌ی ۶ تا ۱۰ (منفی)، ۱۱ تا ۱۵ (بی‌تفاوت)، و ۱۶ تا ۲۰ (مثبت) تقسیم شده‌است. افرادی که معتقد اند شرکت آن‌ها



در فعالیت‌های اجتماعی مفید است و باعث رشد فکری و اجتماعی آن‌ها می‌شود دارای نگرش مثبت، و کسانی که معتقد اند شرکت زنان در این گونه فعالیت‌ها وقت تلف کردن است و فایده‌یی برای آن‌ها ندارد دارای نگرش منفی اند. نتایج جدول‌های یک‌بُعدی نشان می‌دهد که ۵۵/۷ درصد دارای نگرش مثبت، ۱۱/۱ درصد دارای نگرش منفی، و ۲۳/۲ درصد نیز بی‌تفاوت اند.

عام‌گرایی- در نتایج به‌دست‌آمده، ۱۵/۴ درصد پاسخ‌گویان از عام‌گرایی- پایین، ۵۶/۵ درصد از عام‌گرایی- متوسط، و ۲۸/۲ درصد از عام‌گرایی- بالا برخوردار اند. در کل می‌توان گفت افراد مورد بررسی از نظر میزان عام‌گرایی در حد متوسط اند.

فعال‌گرایی- اگر پاسخ‌گویان را بر اساس نمره‌یی که به گویه‌های مورد نظر برای سنجش ویژگی‌های فعال‌گرایی داده‌شده است به سه گروه پایین، متوسط، و بالا تقسیم کنیم، ملاحظه می‌شود که ۶۲ درصد دارای فعال‌گرایی متوسط، ۲۳/۸ درصد دارای فعال‌گرایی زیاد، و ۱۴/۸ درصد دارای فعال‌گرایی کم اند؛ به عبارت دیگر، ۲۳/۸ درصد زنان مورد بررسی معتقد اند که انسان باید در آینده‌ی زندگی خود مؤثر واقع شود و با سعی و تلاش به اهداف مورد نظر برسد.

اگر پاسخ‌گویان را بر اساس نمره‌یی که به گویه‌های مورد نظر برای سنجش ویژگی‌های خردگرایی داده‌شده است به سه گروه پایین، متوسط، و بالا تقسیم کنیم، می‌بینیم ۳۵/۹ درصد پاسخ‌گویان دارای امتیاز بالا، ۲۰/۰ درصد دارای امتیاز پایین (تقدیرگرا)، و ۴۵/۵ درصد در حد متوسط قرار دارند.

در میان پاسخ‌گویان، تنها ۲۳/۲ درصد از وجود نهادهای مشارکتی آگاهی دارند و ۷۶/۵ درصد در این مورد اطلاعی ندارند.

برای بررسی موانع مشارکت، این موانع به سه دسته‌ی موانع سنتی، موانع خانوادگی، و موانع ساختاری تقسیم شد. نتایج نشان داد که از نظر پاسخ‌گویان، عمده‌ترین مانع مشارکت، مانع ساختاری است. ۶۷/۴ درصد، ساختار جامعه (نبود امکانات در محیط زندگی)، ۱۵/۵ درصد، مخالفت شوهر یا پدر خانواده، و ۴/۷ درصد، موانع خانوادگی (کارهای خانه و رسیدگی به بچه‌ها) را مانع اصلی برای مشارکت زنان می‌دانند.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌ی اول درباره‌ی اثر ویژگی‌هایی چون فعال‌گرایی، عام‌گرایی، و خردگرایی بر میزان مشارکت است. نتایج به‌دست‌آمده در مورد رابطه‌ی این متغیرها با ابعاد مختلف مشارکت نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی کل و غیررسمی با میزان امید به آینده، عام‌گرایی،

خردگرایی، و فعال‌گرایی رابطه‌ی معنادار دارد؛ بدین معنا که هر چه قدر عام‌گرایی، امید به آینده، فعال‌گرایی، و خردگرایی افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی کل (رسمی و غیررسمی) و مشارکت غیررسمی افزایش می‌یابد. بالاترین هم‌بستگی، بین امید به آینده و مشارکت اجتماعی کل دیده می‌شود (۰/۴۵۸)؛ یعنی افرادی که امید بیش‌تری نسبت به بهبود اوضاع در آینده دارند، مشارکت بالاتری نیز دارند. در مورد مشارکت اجتماعی رسمی، داده‌های جدول نشان می‌دهد که بین امید به آینده، خردگرایی، عام‌گرایی، و میزان مشارکت اجتماعی رسمی رابطه‌ی معنادار وجود دارد و در این مورد نیز بالاترین هم‌بستگی بین امید به آینده و مشارکت رسمی است. نتایج ضرایب هم‌بستگی پی‌یرسون بین مشارکت اجتماعی و این متغیرها در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷- ضریب هم‌بستگی پی‌یرسون بین ابعاد مختلف مشارکت اجتماعی و متغیرهای مستقل فاصله‌ی

مشارکت	امید به آینده	فعال‌گرایی	عام‌گرایی	نگرش جنسیتی
مشارکت اجتماعی کل	۰/۴۵۸	۰/۳۶۵	۰/۱۷۶	۰/۲۱۷
مشارکت اجتماعی رسمی	۰/۴۵۸	۰/۴۳۹	۰/۱۷۶	۰/۱۵۹
مشارکت اجتماعی غیررسمی	۰/۴۴۲	۰/۳۳۸	۰/۱۴۴	۰/۲۵۷
مشارکت اجتماعی کل	۰/۴۵۸	۰/۳۶۵	۰/۱۷۶	۰/۲۱۷
مشارکت اجتماعی رسمی	۰/۴۵۸	۰/۴۳۹	۰/۱۷۶	۰/۱۵۹
مشارکت اجتماعی غیررسمی	۰/۴۴۲	۰/۳۳۸	۰/۱۴۴	۰/۲۵۷
مشارکت اجتماعی کل	۰/۴۵۸	۰/۳۶۵	۰/۱۷۶	۰/۲۱۷
مشارکت اجتماعی رسمی	۰/۴۵۸	۰/۴۳۹	۰/۱۷۶	۰/۱۵۹
مشارکت اجتماعی غیررسمی	۰/۴۴۲	۰/۳۳۸	۰/۱۴۴	۰/۲۵۷

فرضیه‌ی دوم درباره‌ی رابطه‌ی تحصیلات فرد و مشارکت اجتماعی او است، که با استفاده از ضریب هم‌بستگی پی‌یرسون مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۸، می‌توان گفت که تحصیلات فرد با میزان مشارکت او رابطه دارد؛ به این معنا که با بالا رفتن میزان تحصیلات فرد، میزان مشارکت او نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۸- ضریب هم‌بستگی پی‌یرسون بین تحصیلات و مشارکت اجتماعی

مشارکت	تحصیلات
مشارکت اجتماعی کل	۰/۴۸۰
مشارکت اجتماعی رسمی	۰/۵۴۰
مشارکت اجتماعی غیررسمی	۰/۲۲۰
مشارکت اجتماعی کل	۰/۴۸۰
مشارکت اجتماعی رسمی	۰/۵۴۰
مشارکت اجتماعی غیررسمی	۰/۲۲۰



فرضیه‌ی سوم، که رابطه‌ی بین آگاهی از وجود مکان‌های مشارکتی و میزان مشارکت افراد را می‌سنجد، با استفاده از آزمون تفاوت میانگین مورد بررسی قرار گرفت و نتایج به‌دست‌آمده بیان‌گر آن است که بین این متغیر و میزان مشارکت افراد، رابطه وجود دارد؛ به این معنا که افراد آگاه مشارکتی بیشتر دارند (جدول ۹).

جدول ۹- آزمون تفاوت میانگین بین آگاهی از وجود انجمن‌ها و مشارکت افراد

مشارکت	آگاهی	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	مقدار t	معناداری
مشارکت کل	دارد	۳۳,۸۹۸۰	۸,۷۴۸۰	۲۹۶	۲,۹۶۰	۰,۰۰۳
	ندارد	۳۰,۰۰۸۰	۹,۷۹۳۰			
مشارکت رسمی	دارد	۷,۴۰۵۸	۴,۳۷۰۱	۲۹۶	۰,۴۹۲	۰,۶۲۱
	ندارد	۷,۰۸۷۳	۴,۷۷۹۵			
مشارکت غیررسمی	دارد	۲۶,۴۹۲۰	۵,۷۰۷۶	۲۹۶	۴,۱۰۱	۰,۰۰۰
	ندارد	۲۲,۹۲۱۴	۶,۵۱۸۷			

فرضیه‌ی چهارم در مورد رابطه‌ی بین ارزیابی فایده‌های مشارکت و میزان مشارکت است. با اجرای آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه مشخص شد که بین نگرش به مشارکت و میزان مشارکت اجتماعی غیررسمی زنان، رابطه‌ی معنادار وجود دارد. اگر افراد نسبت به مشارکت نگرشی مثبت داشته‌باشند یا به عبارت دیگر، آن را مفید ارزیابی کنند، مشارکت آن‌ها بیشتر می‌شود (جدول ۱۰).

جدول ۱۰- آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه ارزیابی فایده‌های مشارکت و مشارکت اجتماعی

معناداری	نسبت F	میانگین طبقات			میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	منبع تغییرات	مشارکت اجتماعی کل
		نگرش مثبت	نگرش میانه	نگرش منفی					
۰,۰۷۱	۲,۶۶۷	۲۸,۵۷	۲۹,۸۳	۳۲,۰۱	۲۴۷,۵۵۲	۲	۴۹۵,۱۰۳	میان‌گروهی	مشارکت اجتماعی کل
					۹۲,۸۱۲	۲۹۵	۲۷۳۷۹,۴	درون‌گروهی	
						۲۹۷	۲۷۸۷۴,۵	کل	
۰,۷۰۴	۰,۳۵۲	۶,۵۷	۷,۱۰	۷,۳۱	۷,۷۵۴	۲	۱۵,۵۰۷	میان‌گروهی	مشارکت رسمی
					۲۲,۰۲۳	۲۹۵	۶۴۶۹,۷۶	درون‌گروهی	
						۲۹۷	۶۵۱۲,۲۶	کل	
۰,۰۱۵	۴,۲۴۶	۲۲,۰	۲۲,۷۳	۲۴,۶۹	۱۷۶,۰۰۶	۲	۳۵۲,۰۱۳	میان‌گروهی	مشارکت اجتماعی غیررسمی
					۴۱,۴۵۱	۲۹۵	۱۲۲۲۸,۱۱	درون‌گروهی	
						۲۹۷	۱۲۵۸۰,۱۲	کل	

فرضیه‌ی پنجم درباره‌ی رابطه‌ی مشارکت اعضای خانواده با مشارکت زنان است. نتایج آزمون تفاوت میانگین نشان داد که میانگین مشارکت افرادی که در خانواده‌های خود اعضای مشارکت‌جو داشته‌اند، بیش‌تر از افرادی است که اعضای خانواده‌ی آن‌ها در انجمن‌ها و نهادها مشارکت ندارند.

نتایج به‌دست‌آمده درباره‌ی فرضیه‌ی آخر، یعنی رابطه‌ی وضعیت تأهل و میزان مشارکت زنان نیز نشان داد که میزان مشارکت زنان متأهل بیش‌تر از زنان مجرد است.

نتیجه‌ی تحلیل رگرسیونی

در این پژوهش به منظور سنجش تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، از رگرسیون چندمتغیری با روش قدم به قدم استفاده شده‌است و نتایج به‌دست‌آمده نمایان‌گر این است که چهار متغیر به طور هم‌زمان بر مشارکت اجتماعی تأثیر می‌گذارند. ضریب هم‌بستگی چندگانه‌ی مشارکت $r = 0.65$ و ضریب تعیین $r^2 = 0.40$ نشان می‌دهد که ۴۰٪ از تغییرات متغیر وابسته، به وسیله‌ی متغیرهای مستقل مطرح‌شده تفسیر می‌شود. عمده‌ترین متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی نیز، به ترتیب اولویت، عبارت‌اند از امید به آینده، فعال‌گرایی، خردگرایی، و ارزیابی فایده‌های مشارکت (جدول ۱۱).

جدول ۱۱- رگرسیون مشارکت اجتماعی و متغیرهای مستقل

عنوان متغیر	بتا	مقدار t	معناداری
امید به آینده	۰/۴۷۰	۶/۶۶	۰/۰۰۰
فعال‌گرایی	۰/۳۶۰	۵/۷۴	۰/۰۰۰
خردگرایی	۰/۲۴۷	۳/۷۳۱	۰/۰۰۰
ارزیابی فایده‌های مشارکت	۰/۱۵۰	۲/۱۹	۰/۰۰۲

$Adjusted\ r^2 = 0.43 ; r^2 = 0.43 ; r = 0.65$

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از نظریه‌ها، متغیرهای استخراج‌شده از آن‌ها، و تأیید آن‌ها در نمونه‌ی مورد بررسی مشخص شد که متغیر وضعیت تأهل با مشارکت اجتماعی در بعد رسمی رابطه دارد؛ به این صورت که زنان متأهل مشارکت رسمی بیش‌تری نسبت به زنان مجرد دارند. شاید بتوان این امر را این‌گونه تبیین کرد که زنان متأهل به ضرورت حضور فرزندان‌شان در مدرسه، عضو انجمن اولیا و مربیان‌اند و به دلیل آن که از انجمن اولیا و



مربیان به عنوان یکی از سازه‌های مشارکت رسمی یاد می‌شود، شرکت آن‌ها در این انجمن باعث افزایش مشارکت رسمی آن‌ها می‌شود.

تحصیلات، متغیر دیگری است که با میزان مشارکت رسمی رابطه دارد؛ به این صورت که هرچه میزان تحصیلات افراد بالاتر می‌رود، مشارکت رسمی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. در پژوهش‌های گلپز، لایبسون، و ساکردوت^۱ (۲۰۰۰) نیز این مسأله تأیید شده است. آن‌ها این موضوع را تا حدودی ناشی از محیط‌های نهادی مدارس و دانشگاه‌ها در تشویق افراد به انجمن‌پذیری و آموزه‌های اخلاقی آنان در جهت تعاون و هم‌یاری می‌دانند.

رابطه‌ی بین ارزیابی فایده‌های مشارکت و مشارکت اجتماعی زنان نیز مسأله‌ی مهمی است که نتایج پژوهش، وجود این رابطه را تأیید می‌کند. زنانی که ارزشی مثبت برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی قائل اند، میزان مشارکت‌شان نیز بالاتر است و از آن جا که انتقال ارزش‌های اجتماعی از طریق دستگاه‌های اجتماعی و بااجتماعی‌کننده، مانند خانواده، مدرسه، و رسانه‌های جمعی صورت می‌گیرد، باید از راه‌های مستقیم و غیرمستقیم، ارزش مشارکت زنان در امور جامعه را مطرح کرد. یکی از مهم‌ترین راه‌های افزایش ارزش مشارکت اجتماعی زنان در نزد آن‌ها این است که اهمیت فعالیت زنان در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی، به شکلی ملموس و عینی برای خودشان مشخص شود تا مشارکت خودجوش آن‌ها افزایش یابد.

نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش، وجود رابطه بین اطلاع زنان از وجود نهادهای مشارکتی در محله و مشارکت اجتماعی آن‌ها را تأیید می‌کند؛ به عبارت دیگر، بین آگاهی از وجود انجمن‌ها و نهادها در محله یا منطقه و مشارکت اجتماعی زنان رابطه‌ی معنادار وجود دارد. در میان پاسخ‌گویان فقط ۲/۲۳ درصد، از وجود نهادهای مشارکتی و انجمن‌ها در محله‌ی خود آگاهی داشتند و آن‌ها نیز بیشتر به کلاس‌های قرآن و فعالیت‌های بسیج اشاره کرده‌بودند. شاید بتوان گفت دلایل این امر از یک طرف کمبود این نهادها، و از طرف دیگر تمرکز نهادهای موجود در یک منطقه‌ی خاص است.

نتایج پژوهش درباره‌ی رابطه‌ی وجود اعضای مشارکت‌جو در خانواده با مشارکت اجتماعی نیز بیان‌گر این امر است که پاسخ‌گوییانی که اعلام کرده‌اند اعضای خانواده‌شان در فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند، در مقایسه با دیگران، مشارکت غیررسمی بیشتری دارند. اعضای خانواده نیز عمدتاً در فعالیت‌های غیررسمی مثل فعالیت‌های بسیج و مانند آن مشارکت دارند. از این متغیر در مباحث اجتماعی با عنوان دیگری مهم یاد می‌شود و آیزنر و فیش نیز در نظریه‌ی خود به تأثیر عامل دیگری مهم بر مشارکت افراد اشاره کرده‌است.

^۱ Glaeser, Edward L., David Laibson, and Bruce Sacerdote

مورد دیگری که در این پژوهش بررسی شد، موانع مشارکت از نظر پاسخ‌گویان است. نتایج نشان داد که از نظر پاسخ‌گویان، عمده‌ترین مانع مشارکت اجتماعی زنان در شهر کرمان، مربوط به ساختار جامعه است. ۶۷/۴ درصد از پاسخ‌گویان به موانعی ساختاری مثل نبود مکان‌هایی برای مشارکت زنان و نبود امنیت در محیط جامعه اشاره کرده‌بودند، ۱۵/۴ درصد موانع سنتی را مورد تأکید قرار داده‌بودند، و ۴/۷ درصد نیز موانع خانوادگی مثل کارهای خانه و نگاه‌داری از بچه‌ها را مهم می‌دانستند. اوکلی (۱۹۹۱) در بحث از موانع مشارکت زنان، بیش‌تر، موانع فرهنگی و سنتی را مورد تأکید قرار داده‌بود؛ در حالی که نتایج این پژوهش نشان داد که عمده‌ترین مانع مشارکت زنان در شهر کرمان، از نظر خود آن‌ها، موانع ساختاری است و موانع سنتی و فرهنگی در مرتبه‌ی بعد قرار دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که میانگین مشارکت اجتماعی زنان و به‌خصوص مشارکت رسمی آن‌ها به طور کلی پایین است و این امر نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که همانند نتایج پژوهش‌های مشابه در شهرهای دیگر (در ابتدای مابانی نظری مطرح شد)، ما هنوز در ابتدای راه جذب افراد، خصوصاً زنان به عنوان نیمی از اعضای جامعه، در گروه‌ها و سازمان‌های داوطلبانه‌ی رسمی یا نهادهای جامعه‌ی مدنی، آن‌هم به صورت فعال (یعنی هم حضور، هم شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، و هم عضویت دائم)، به سر می‌بریم.

در این پژوهش مشخص شد که فرآیند جامعه‌پذیری و نوع شخصیت زنان، که الهام‌گرفته از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است، در میزان مشارکت آن‌ها نقش دارد؛ بنا بر این، افزایش این ویژگی‌ها، به فعالیت‌ها و برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت، مخصوصاً از طریق آموزش و پرورش رسمی (با توجه به نقش تحصیلات در بالا بردن میزان مشارکت) و غیررسمی (شرکت در فعالیت‌های غیررسمی نظیر فعالیت‌های خیریه، مذهبی، و مانند این‌ها) بستگی دارد؛ همچنین توجه به نقش اعضای خانواده، مخصوصاً همسر برای افراد متأهل، که در این پژوهش مشارکت رسمی بیش‌تری داشتند، و نیز جا انداختن این امر که شرکت و همکاری فعالانه، داوطلبانه، و آگاهانه‌ی زنان در فعالیت‌های اجتماعی مفید و سودمند است، افراد را از انزوا، تکروری، و پذیرفتن نقش‌های انفعالی بیرون می‌آورد.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

- ۱- با توجه به این که مکان‌های مناسب برای مشارکت اجتماعی زنان، به‌ویژه مشارکت مدنی آن‌ها در شهر کرمان کم است، پیشنهاد می‌شود مکان‌هایی ایجاد شود که

بتواند همه‌ی زنان، اعم از خانه‌دار، شاغل، و زنان با تحصیلات پایین یا بالا را در خود جای دهد؛ البته این مکان‌ها باید در همه‌ی محلات شهر به صورت پراکنده ایجاد شود و فقط در مناطق خاص متمرکز نشود.

۲- آگاهی زنان در مورد تشکلهای فعال در شهر کرمان و فعالیت‌هایی که در این تشکلهای انجام می‌شود بسیار پایین است و فقط درصد کمی از پاسخ‌گویان به سوآلی که در مورد اطلاع آن‌ها از وجود چنین مکان‌هایی پرسیده شد پاسخ دادند؛ بنا بر این، باید در مورد انجمن‌های مختلف موجود در شهر کرمان، اهداف این انجمن‌ها، و نیز نوع فعالیت آن‌ها، در روزنامه‌های محلی و برنامه‌های تلویزیونی اطلاع‌رسانی شود.

۳- عوامل فرهنگی-ارزشی نیز بر میزان مشارکت اجتماعی زنان تأثیر می‌گذارد؛ بنا بر این، چنین ویژگی‌هایی باید در افراد جامعه تقویت شود. این امر در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست و نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت و میان‌مدتی است که باید از دوران کودکی آغاز شود. تغییر در محتوای برنامه‌ها و کتب آموزشی ابتدایی و متوسطه، و همچنین تهیه‌ی برنامه‌های خاص تلویزیونی و رادیویی از جمله اقداماتی است که می‌توان در این زمینه انجام داد.

۴- از آن جا که انتقال ارزش‌های اجتماعی از طریق دستگاه‌های اجتماعی‌کننده و بازاجتماعی‌کننده مانند خانواده، مدرسه، و رسانه‌های جمعی صورت می‌گیرد، باید از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم، ارزش مشارکت زنان را در امور جامعه مطرح کرد. یکی از مهم‌ترین راه‌های افزایش ارزش مشارکت اجتماعی زنان در نزد آن‌ها این است که اهمیت فعالیت زنان در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی، به خود آن‌ها ثابت شود و با مشخص شدن اهمیت مشارکت آن‌ها به شکل ملموس و عینی، مشارکت خودجوش آن‌ها افزایش یابد.

منابع

- ازکیا، مصطفی. ۱۳۷۹. *جامعه‌شناسی توسعه*. چاپ ۲. تهران: مؤسسه‌ی نشر کلمه.
- پناهی، محمدحسین، و لیلیا یزدان‌پناه. ۱۳۸۳. «اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی». *فصل‌نامه‌ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی* ۲(۲۶): ۶۹-۱۰۷.
- توسلی، غلامعباس. ۱۳۷۳. *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: انتشارات سمت.
- چلبی، مسعود. ۱۳۸۱. *بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران*. تهران: انتشارات مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگ، هنر، و ارتباطات.

- روشه، گی. ۱۳۷۷. *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*. برگردان عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی-انتشاراتی تیبان.
- ریتزر، جورج. ۱۳۷۷. *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. برگردان محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر. ۱۳۸۲. *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد ۳: *روش‌های کمی: فنون و ابزارهای پیش‌رفته‌ی پژوهش*. تهران: نشر دیدار.
- سبکتکین ریزی، قربان‌علی. ۱۳۷۳. «تبیین رابطه‌ی بین میزان تحصیلات زنان روستایی با میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- شادی‌طلب، ژاله، و افسانه کمالی. ۱۳۸۱. «مشارکت اجتماعی زنان». *پژوهش زنان* (۴): ۲۶-۵۲.
- عفتی، محمد، و مجید کپوریان. ۱۳۷۶. *مشارکت اجتماعی زنان روستاهای مازندران*. تهران: انتشارات معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- غفاری، غلام‌رضا. ۱۳۸۳. «تبیین مشارکت اجتماعی-فرهنگی دانشجویان دانشگاه تهران». *جامعه‌شناسی ایران* (۱): ۶۷-۹۸.
- فاطمی، عباس. ۱۳۸۴. *تأملی بر مشارکت اجتماعی زنان، قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران ۱۳۳۲-۱۳۸۰*. تهران: نشر رمز.
- فخرایی، سیروس. ۱۳۷۶. «جامعه‌شناسی موانع فرهنگی مشارکت اجتماعی زنان در ایران». ص ۸۱-۹۲ در *مجموعه مقالات چهارمین گردهم‌آیی سیمای زن در جامعه: زن و توسعه‌ی فرهنگی*. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی دانشگاه الزهرا.
- قانع‌ی راد، محمدمبین، و فریده حسینی. ۱۳۸۴. «ارزش‌ها، شبکه‌ی روابط، و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی: مطالعه‌ی تجربی در بین جوانان تهران». *جامعه‌شناسی ایران* (۳): ۹۷-۱۲۳.
- کرایب، یان. ۱۳۷۸. *نظریه‌ی اجتماعی مدرن: از پارسونز تا هابرماس*. برگردان عباس مخبر. تهران: انتشارات آگاه.
- مقدس جعفری، محمدحسن، و فیروز باقرزاده. ۱۳۸۱. «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های کرمان». *پژوهش‌گوان فرهنگ* (۱): ۱۵۸-۲۰۱.
- وحیدآ، فریدون، و محسن نیازی. ۱۳۸۳. «تأملی در مورد رابطه‌ی بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی». *نامه‌ی علوم اجتماعی* ۲(۲۳): ۱۱۳-۱۲۰.
- وینر، مایرون، و ساموئل پ. هانتینگتون. ۱۳۷۹. *درک توسعه‌ی سیاسی*. برگردان پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی. تهران: انتشارات پژوهشکده.
- Breton, Raymond. 1997. "Social Participation and Social Capital." Introductory Lecture at the Second National Metropolis Conference, 23-25 November, Montreal, Quebec, Canada.
- Glaeser, Edward L., David Laibson, and Bruce Sacerdote. 2000. "The Economic Approach to Social Capital." Working Paper No. 7728, National Bureau of Economic Research, Cambridge, MA, USA.



- Helly, Denis. 1997. "Voluntary and Social Participation by People of Immigrant." Paper presented at the Second National Metropolis Conference, 23–25 November, Montreal, Quebec, Canada.
- Midgley, James, Anthony Hall, Margaret Hardiman, and Dhanpaul Narine. 1989. *Community Participation, Social Development, and the State*. London, UK: Methuen.
- Oakley, Peter, contributor 1991. *Project with People: The Practice of Participation in Rural Development*. Geneva, Switzerland: International Labour Office.
- Vicheka, Lay. 2005. "Cambodian Women and Barriers to Social Participation." Web page, 3 January. Retrieved 29 May 2007 (<http://www.mekong.net/cambodia/barriers.htm>).

نویسندگان

دکتر لیلا یزدان‌پناه،

استادیار دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان
lyazdanpanah@mail.uk.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۸۲
معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان؛
عضو کمیته‌ی علمی گروه پژوهشی مطالعات زنان و خانواده، دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ عضو
کمیته‌ی علمی پژوهشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ و عضو کمیته‌ی پژوهشی
سازمان ملی جوانان استان کرمان.
پژوهش‌های وی در زمینه‌ی جوانان، زنان، ادیان و مشارکت اجتماعی است.

فاطمه صمدیان،

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی
f_samadian@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
پژوهش‌های وی در زمینه‌ی مشارکت اجتماعی و تعاونی‌ها است.